



روان فوانی





غار - غصه - غلط - غمگین - غذا - خنچه - غروب - فریب - فرغایی - قورباغه - بزغاله
لاغر - باغبان - روغن - باغچه - کاغذ - جند - منز - آصفر - شغل - شلغم - آشغال
مغزور - مغازه - پیغمبر - مشغول - تیغ - جیغ - داغ - مرغ - دوغ - کلاغ - الاغ - بالغ
دروغ - سراغ - چراغ - شلوغ - روغن - داغ - تخم مرغ - غذای لذیذ - خیابان شلوغ
غروب - آفتاب - چراغ راهنمایی - آتش دوغ





درس ۲۱ لاک پشت و مرغابی‌ها

دو مرغابی و یک لاک پشت، در کنار آبلگیری زندگی می‌کردند. با گرم شدن هوا، آبلگیر هم خشک شد. مرغابی‌ها مجبور شدند از آن جا بروند. لاک پشت گفت: «من هم با شما می‌آیم.» مرغابی‌ها گفتند: «تو که نمی‌توانی مثل ما پرواز کنی.» لاک پشت غمگین شد. مرغابی‌ها با هم فکر کردند تا راهی پیدا کنند.

روز بعد، کلاغ و جغد دیدند که دو مرغابی چوبی را به منقار گرفته‌اند و لاک پشتی را با خود می‌برند. آن‌ها جیغ زدند و گفتند: «لاک پشت شده پرنده!» مرغابی‌ها به لاک پشت گفته بودند که در راه، هر کس هر چه گفت،





گوش نکلند و جواب ندهد. او مدّتی

ساکت ماند و بعد فریاد زد: «پریدم

که پریدم!» امّا تا دهانش را باز کرد،

از بالا به زمین افتاد.

بازنویسی از کلیله و دمنه

غ غ غ غ





شغل آقا باغبان است. او باغ بزرگ دارد و خود را با گلرهای باغ مشغول می کند.
آقا باغبان ماهری است. او گل ها و درختها را خیلی دوست دارد و آنها
مراقبت می کند.
او باغچه ها را بیل می زند و خاک گلدان ها را قوض می کند.
او یک باغچه بزرگ از بچه ها زیاد دارد. بوته های گل شرح تیغ های خیلی تیزی دارند.
آقا آخر روز غروب به باغچه ها و بوته های شلغم آب می دهد.
در باغ بزرگ آقا باغبان مختلفی زندگان می کند.
قورباغه در پرکدی وسط باغ به همراه چند غاز سفید زندگی می کند.





قورباغه در بر کدی وسط باغ به همراه چند غاز سفید زندگی می کنند
مرغ و خروس ها در کنار طولی الاغ لانه دارند و دانه می خورند
باغ آصفر در کنار کوه قرار دارد غاری در انتهای باغ وجود دارد که یک جغد غمگین در آن زندگی
می کند جغد به خاطر دروغ های کلاغ بسیار غمگین و ناراحت است
کلاغ که مانند زغال سیاه است در باغ آشغال می ریزد و جیغ می زند
لما به بقیه حیوانات گفته است که ریختن آشغال در باغ کار جغد است

